



نظام امامت

طرح تشکل در اسلام

نظارت والی بر امور

کارمندان و مسئولین

و باعث امنیت کشور و عزت اسلامند، و قوام ملت بستگی به آنها دارد، و نیروهای مسلح نمی‌توانند پابرجا بمانند مگر اینکه دارای بودجه کافی باشند تا بتوانند در مقابل دشمن مقاومت کنند، و بودجه دولت فراهم نمی‌گردد مگر اینکه قضات و مالیات‌پردازان و مسئولین درآمدهای دولتی - آنها که قراردادهای معاملات و مالیاتهای دولتی را منعقد می‌کنند - درستکار باشند، و قوام همه اینها بستگی به صالح بودن و سالم بودن بازار و بازاریان دارد. و کوتاه سخن اینکه: آنگاه عدالت در جامعه مستقر می‌گردد که همه طبقات صالح و سالم باشند و هماهنگ در مسیر صحیح گام بردارند.

پس از بیانات فوق، امام (ع) به مالک اشتر دستور می‌دهد که بر همه کارها نظارت کند و امور مسئولین و کارمندان و امور تجارت و بازار را زیر نظر داشته باشد و مطلب را باین شرح ادامه می‌دهد:

برای سرپرستی نیروی نظامی و مسئولان امنیتی شخصی را انتخاب کن که در نظر تو خیرخواه ترین افراد برای خدا و رسول و امام تو باشد و در بین افراد، پاکدل تر و درحلم و بردباری از دیگران افضل باشد.

"قول من جنودک انصحبم، فی نفسک"
 "لله و لرسوله و لامامک و انقاصم جیبها"
 "و افضلهم حلما"

در این فصل، امام (ع) عنایت زیادی دارد که باید مسئولان امنیتی مورد توجه خاص والی باشند و باید والی آنها را اهمیت بدهد و مورد توجه خاص خود قرار دهد. امام، در باره انتخاب قاضی می‌فرماید: برای حکومت و داوری بین مردم، فردی را انتخاب کن که در نظر تو از همه ملت تسو افضل و دارای اینگونه صفات باشد....

فسادی بهار نباید.

سپس امام (ع) طبقات ملت را باین شرح بیان فرموده است:

- ۱- نیروهای مسلح و لشکریان خدا.
- ۲- دفترداران و مسئولان دبیرخانه‌های خصوصی و عمومی.
- ۳- قاضیان دادگستری و مجریان عدالت.
- ۴- مالیات‌پردازان از مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی.

۵- تجار و بازرگانان.

۶- کارگران و پیشه‌وران.

۷- مستمندانی که باید از صدقات اداره شوند.

امام (ع) پس از شرح طبقات ملت در توضیح اینکه اصلاح هر طبقه بستگی به اصلاح دیگر دارد سخنی دارند که خلاصه مضمون آن این است:

نیروهای مسلح به‌اذن خدا حصار رعیت

قبلا یاد آور شدیم که یکی از مهمترین وظائف والیان و نمایندگان امام در نظام امامت هماهنگ نمودن مسئولین ادارات و نهادهای دولتی بوده است، و اینک همان مطلب را با توضیح لازم دنبال می‌کنیم.

علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: بدان! کسانی که تحت سرپرستی والی هستند به چند طبقه تقسیم می‌شوند که هیچکدام از یکدیگر بی‌نیاز نیستند و صالح بودن و درستی کار هر طبقه بستگی به صالح بودن طبقه دیگر دارد.

"واعلم ان الرعیة طبقات لا یصلح"
 "بعضها الا ببعض و لا غنی ببعضها"
 "عن بعض"

در این فراز عهدنامه امام (ع) گوشزد می‌کند که باید بین این طبقات هماهنگی کامل برقرار باشد، بدینگونه که همه آنها صالح باشند و رو بگرد و صلاح بروند تا



قسمت چهارم

صفتی را که امام (ع) توضیح داده اند حدود ۱۲ صفت می باشد که شرح آن از موضوع بحث خارج است.

"ثم اختر للحکم بین الناس افضل"
"رعیتک فی نفسک من لا تضیق به"
"الامور و..."

و در باره انتخاب کارمندان می فرماید: فراموش کارمندان خود نظر کن و آنان را بعد از امتحان به کار بگمار و با میل نفسانی خود بدون مشورت آنان را انتخاب مکن که این عمل خیانت محسوب می شود.

"ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم"
"اختبار و لاتولسهم محاباة و اثرة"
"فانهم جماع من شعب الجور و الخیانه"
و پس از انتخاب کارمندان برای آنان بازرس مخفی قرار بده تا کارهای آنها را زیر نظر داشته باشند که این عمل آنان را وادار می کند که امانت را رعایت کنند و با ملت با رفق و مدارا رفتار نمایند.

"و ابعث العیون من اهل الصدق و"
"الوفاء علیهم فان تعاهدک فی"
"السر لا مورهم حدوة لهم علی"
"استعمال الامانة و الرفق بالرعیة"

و در مورد نظارت بر امور مالی می فرماید: جمع مالیاتها و امور مالی را زیر نظر داشته باش که به صلاح پرداخت کنندگان باشد و به مردم اجحاف نشود... و بیش از کوشش خود برای جمع مالیات برای آبادانی زمین کوشش کن زیرا مالیات بدون آبادانی یدست نمی آید.

"وتفقد من الخراج ما یصلح اهله..."
"ولیکن نظرتک فی عمارة الارض بابلغ"
"من نظرتک فی استجلاب الخراج"
"لان ذلک لا یدرک الا بالعمارة"

و در باره نظارت بر امور بازار و

بازاریان می فرماید:

درباره تجار و پیشه وران و صاحبان صنایع سفارشهای آنها را ببذیر و آنها را به خیر و نیکی سفارش نما و بر نرخها نظارت داشته باش و از احتکار و گرانفروشی و سایر اجحافات جلوگیری کن که ناسامان بودن این کارها برای والیان ننگ است.
"ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات"
"واوص بهم خیرا... فامنع من"
"الاحتکار، ولیکن البیع بیعاسحا"
"بموازیین عدل و اسعار لا تجحف"
"بالمفریقین"

نرخها باید بگونه ای باشد که نسبت به فروشنده و خریدار هیچکدام اجحاف نشود. و در باره مستمندان می فرماید:

"ثم الله الله فی الطبقة السفلی"
"من الذین لا حیل لکم من المساکین"
"والمحتاجین"

خدا را در باره مستمندان و بیچارگان در نظر داشته باش... (در باره ایمن طبقه امام علیه السلام سفارش بسیاری دارد که شرح آن از موضوع این بحث خارج است). از مجموع مطالب یاد شده چنین بدست می آید که والی و نماینده امام در هر شهر و شهرستان باید بر جمیع کارها نظارت داشته باشد و همه را سرپرستی کند، و یا حداقل می توانیم بگوئیم شیوه حکومت علی (ع) اینچنین بوده است و از اینکه امام (ع) به مالک اشتر می فرماید سرپرست نیروی نظامی باید "در نظر تو" خیر خواه ترین افراد باشد و قاضی باید "در نظر تو" افضل افراد باشد و می فرماید کارمندان را "تو" با امتحان انتخاب کن به خوبی استفاده می شود که مسئولین باید مورد اعتماد والی باشند و با تأیید و نظارت و انتخاب شوند تا بتواند بر آنان اشراف داشته باشد و با آنان کار کند.

انتخاب مشاور برای والی

همانطوری که در گذشته شرح دادیم تنها

تجمع نیروهای مؤمن برگردد رهبر و نمایندگان او بوده است و مردم با اخلاص معمولاً از یاران امام و نمایندگان او بوده اند.

از عهدنامه امام (ع) استفاده می شود که عده ای از افراد باید بعنوان مشاور و همفکر با والی در ارتباط باشند و امور شهر باید با مشورت و همفکری افراد صالح اداره شود. والی ناگزیر باید از فکر و اندیشه دیگران استفاده کند زیرا معمولاً فکر واحد جز در افراد استثنائی نمی تواند همه ابعاد مسائل را بخوبی تحلیل نماید و تصمیم بگیرد.

امام (ع) می فرماید: در مشورت خود، انسان بخیل و ترسو راه نده که تو را از بخشش منع می کنند و در کارها تو را به ضعف و سستی می کشانند.

"و لاتدخلن فی مشورتک بخیلاً"
"یعدل بک عن الفضل و یعدک للفقر"
"ولا جباناً یضعفک عن الامور"

از این عبارت استفاده می شود که اصل مشاور داشتن برای والی یک امر مسلم بوده و امام (ع) مالک اشتر را در انتخاب مشاور راهنمایی می کند.

و نیز امام (ع) می فرماید: بدترین وزیران تو کسانی هستند که قبل از تو وزیر اشرار بوده اند.

"ان شرّ وزراءک من کان للاشرار"
"قبلک وزیراً"

از این عبارت نیز استفاده می شود که داشتن وزیر برای والی مرسوم بوده و امام علیه السلام مالک را در انتخاب وزیران راهنما فرموده است.

وزیر در لغت کسی را گفتند که به رای و نظر او اعتماد می شود:

"وزیر الخلیفه معناه الذی یعتد"
"علی رأیه فی اموره" (لسان العرب)

وزیر گویا از ماده وزر بمعنای سنگینی گرفته شده و به این معنی وزیر به افرادی می گویند که رای و نظر خود را در اختیار مسئول می گذارند و به او در کارها و برنامه ریزی ها کمک می کنند و به این ترتیب قسمتی از سنگینی های بار مسئولیت را از دوش او

برمی دارند و بردوش خود می‌گیرند:

«الوزير الموازر لانه يحمل عنه وزره»
(لسان العرب)

والی باید عدمای از متفکرین و اندیشمندان و صاحب نظران از همان نیروهای مو، من و مخلص را به دور خود جمع کند و با آنها جلسات متعدد داشته باشد تا بتواند به وجه نیکوتر مسئولیت خود را انجام دهد. استبداد رای و انحصار ظلمی والیان خطرناک است.

وجوب اطاعت از والیان

آیه شریفه:

«اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منكم»

ارشاد به وجوب اطاعت از خدا و رسول و امام مسلمین است، و بضمیمه احادیث وارده که نمونه آن نقل می‌شود وجوب اطاعت از والیان نیز مسلم می‌گردد. بعضی از صاحب نظران نیز گفتند: «اولی الامر» در آیه شریفه عام است و همه فرمانروایان برحق را که فرمانروائی آنان ولو به نصب امسالم مورد تأیید خداوند باشد شامل می‌گردد. به هر حال همان نظری که اطاعت از امام در اسلام واجب شده اطاعت از والیان نیز که نماینده امام و نماینده دولت اسلامی هستند واجب می‌باشد.

از رسول خدا نقل شده که فرمود: هر کس مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر کس امیر مرا اطاعت کند مرا اطاعت کرده، و هر کس از فرمان من سرپیچی کند نافرمانی خدا کرده و هر کس از فرمان امیر من سرپیچی کند از من نافرمانی کرده است.
«عن رسول الله (ص) من اطاعتنی فقد اطاع الله، و من عصانی فقد عصی الله و من اطاع امیری فقد اطاعنی و من عصی امیری فقد عصانی» (صحیح مسلم باب الاماره)

از حضرت علی (ع) در خطبه ۲۱۶ بیخ البلاغه که گویا امام (ع) آنرا در

صفتین ایراد فرموده است مطالب مفصل و عمیقی نقل شده که وظائف مردم را نسبت به والیان و بالعکس بیان فرموده است. در آن خطبه شریف، امام (ع) باینان بسیار صریح و رسا گوشزد فرموده‌اند: تنها چیزی که می‌تواند حافظ حکومت و عدالت باشد همبستگی کامل مردم با والی و انجام وظیفه توسط والیان و اطاعت نمودن مردم از آنان است. و فرموده‌اند: اگر رابطه مردم با والی تیره باشد و حقوق متقابل یکدیگر را رعایت نکنند ظلم و جور جای عدالت را می‌گیرد (و خیانتها زیاد می‌شود) و احکام اسلام معطل می‌ماند.

«فاذا ادت الرعية الى الوالی حقه»

«وادی الوالی الیهما حقها عز الحق»

«بیتهم وقامت مهاج الدین و»

«اعتدلت معالم العدل... و اذا»

«غلبت الرعية و الیهما او اجهف»

«الوالی برعیته اختلفت هتالک»

«الکلمة و ظهرت معالم الجور...»

«عطلت الاحکام...»

استانداران و فرمانداران

هر کس در احکام اسلامی مطالعه کرده باشد و تاریخ حکومت علی (ع) و خلفائی را که بنام اسلام حکومت می‌کرده‌اند دیده باشد به وضوح درک می‌کند که در نظام اسلام یک شکل مقدس و سازمان یافته‌ای به اینگونه بوده است که رهبری آن در دست ولی امر بوده و تنها تجمع نیروهای مو، من برگردد مقام رهبری بوده و رابطه رهبر با مردم از طریق والیان که امام جمعه نیز بوده‌اند برقرار می‌شده و گرد هم آئی‌های لازم به صورت جمعه و جماعت در مساجد صورت می‌گرفته است. والیان هماهنگ کننده نهادها و سایر مسئولین ادارات بوده و بر همه کارها اشراف داشتند آنان رساننده پیام امام به امت، و مسئول دعوت مردم به اطاعت از امام، و مسئول هدایت آنان و

عهده‌دار نشر فرهنگ اسلامی بودند و این مطلب جای هیچگونه تردیدی نمی‌باشد. با توجه به نظام فعلی جمهوری اسلامی و مسئولیت وزارت کشور و بودن نهاد نماز جمعه این سؤال مطرح می‌شود که آیا والیان اسلامی در نظام فعلی استانداران و فرمانداران هستند و با امام جمعه‌ها؟ اگر استانداران را والی بدانیم مناسب تر است که مستقیماً نماینده امام باشند و جمعه و جماعت نیز توسط آنان اداره شود. و اگر امام جمعه‌ها را والی بدانیم قاعدتاً باید اختیار هماهنگ کردن مسئولان به آنان واگذار شده باشد. اگر بگوئیم امام جمعه مسئول ارشاد و هدایت مردم و مسئول افتاء نماز و کارهای مذهبی است و امور سیاسی بر عهده استانداران و فرمانداران گذارده شده بدون اینکه با یکدیگر رابطه‌ای داشته باشند این امر موجب جدائی دین از سیاست است که سالها از آن می‌ترسیدیم و با آن در ستیز بودیم، در صورتی که از فرمایش منسوب به امام حسین (ع) در تحف العقول استفاده می‌شود که باید اجرای امور در دست علمای دین باشد.

امام حسین (ع) خطاب به علماء و دانشمندان می‌فرماید:

«ثم انتم ايتها العصابة عما به العلم»

«مشهورة و بالخیر مذکورة و بالنصیحة»

«معروفة»

شما (ای گروه دانشمندان) گروهی هستید که به علم و دانش شهرت یافته‌اید و به خیر و نیکی یاد شده‌اید و به خیر خواهی معروف هستید. و پس از یک سخن طولانی می‌فرماید:

«ان مجاری الامور و الاحکام علی»

«ایدی العلماء بالله، الامنا علی»

«حلاله و حرامه فانتم المسلوبون»

«تلك المنزلة»

مجاری امور و احکام بدست علماء و دانشمندان است که امین خدا بر حلال و حرام او هستند و شما افرادی هستید که این منزلت از شما گرفته شده است.

توضیح سخنان امام «ع»

امام حسین «ع» این بیانات را با علما و دانشمندان در روزگاری فرموده که حکومت در دست دیگران بوده و ائمه معصومین «ع» و علما، دین از صحنه سیاست برکنار بودند. امام «ع» در ضمن آن بیانات آنان را به مبارزه علیه ستم و استبدادگی برای گرفتن حق دعوت می‌کند و آنان را از اینکه از مرگ می‌ترسند و در مقابل زورگویان استبدادگی ندارند توبیخ می‌نماید.

آنچه در سخنان امام «ع» مورد استشهاد ما و قابل دقت است این است که می‌فرماید: «مجاری امور بدست علما، دین است.»

مجاری جمع مجری و مجری مصدر میمی است و معنای آن جریان یافتن و اجرا شدن است و خلاصه مفاد این جمله این است که امور و احکام باید بدست علما، اجرا گردد زیرا آنان امین خدا بر حلال و حرام او هستند. اگر «مجری» در این جمله اسم مکان باشد معنای جمله این است: محل جریان امور و جایی که باید جریان امور از آنجا نشأت بگیرد دست علمای امین است. آری تنها کافی نیست که قانون اساسی و سایر قوانین بدست علما تدوین گردد. مهم اجرای آن است. اگر اجرای قوانین در دست علمای دین و با نظارت کامل آنسان نباشد بیم آن هست که در دراز مدت همان بلائی بر سر قوانین بهاید که پس از انقلاب مشروطه آمد.

بنا بر توضیح یاد شده، باید بگوئیم استانداردار با امام جمعه مرکز استان و استاندار فرماندار با امام جمعه شهرستان هر دودر حکم یک والی هستند و کارهای یک والی بین آنها تقسیم شده و باید با یکدیگر در ارتباط کامل باشند و به گفته یکی از صاحب نظران اگر صحیح تر فکر کنیم و بخواهیم نظام فعلی را با روند مرسوم آن که در زمان علی «ع» معمول بوده منطبق نمائیم بهتر است والی، نماینده ولی امر و امام جمعه

باشد و استاندار یا فرماندار بمنزله معاون اجرایی او محسوب گردد. زیرا اولاً امام جمعه (در صورتی که در عموم کارها نیابت داشته باشد) نماینده مستقیم امام است و اشراف او بر کارها اشراف امام محسوب می‌شود، و ثانیاً بنا برنظری که از امام حسین «ع» آوردیم مجاری امور باید در دست علمای دین باشد و این عنوان بیشتر با ائمه جمعه منطبق می‌گردد، و ثالثاً یکی از کارهای امام جمعه در نماز جمعه این است که مردم را به مصالح و مفاسد کارها آگاه نماید و آنان را بر امر و نهی‌ها و تصمیم‌هایی که گرفته شده و می‌شود مطلع نماید تا مردم از سرنوشت خود باخبر باشند تا اگر نظر اصلاحی دارند آنرا با مسئولین در میان بگذارند، و این امر ایجاب می‌کند که ائمه جمعه بر کارها اشراف داشته باشند و از امرها و نهی‌ها کاملاً مطلع باشند و چه مانعی داشت اگر وزارت کشور حکم استانداری و فرمانداری را به ائمه جمعه می‌داد و آنان، افرادی را بعنوان جانشین خود مسئول اداره استانداری و فرمانداری می‌نمودند.

نهاد نماز جمعه را متشکلاتر کنیم

اگر بخواهیم نظام ولایت حاکم باشد به همان گونه که در زمان علی «ع» بوده است باید نهاد نماز جمعه را متشکلاتر و نماز جمعه‌ها را برپا تر کنیم.

امام جمعه‌ها باید کاملاً حساب شده انتخاب شوند و دقیقاً در خطر رهبری باشند و رهبر به آنها نیابت بدهد. ستادهای نماز جمعه باید امر نماز را زیر نظر داشته باشند، و سائل تسهیل برگزاری نماز را مطابق با شرایط زمان فراهم نمایند، با تبلیغات منظم و دقیق مردم را با وظائف عبادی و سیاسی خود آشنا سازند و با رفتار اسلامی و اخلاق پسندیده مردم را به نماز راغبتر نمایند، امام جمعه‌ها رابطه خود را با مردم محکمتر کنند و خانه خود را خانه امید مردم قرار دهند، مأمورین محافظ،

امام جمعه را در چهار دیوار منزل محصور نکنند بلکه با حفظ رابطه آنان با مردم از آنان حفاظت نمایند. حافظ امام جمعه باشند نه حاجب آنان که حجاب بین والی و مردم خطرناک است.

ائمه جمعه هر کدام دفتر منظم و سازمان یافته داشته باشند و به امور مردم رسیدگی کنند. مسئولین امور اداری نصیحت‌های ائمه جمعه را گوش دهند و نظر خیرخواهانه آنان را بپذیرند و حتی الامکان کارهای مردم را فرمانداران و ائمه جمعه با تشریح مساعی حل کنند و آنان را به این مقام و آن مقام ارجاع ندهند که این کار مردم را به ستوه می‌آورد و آنان را از نظام دلسرد می‌کند.

ائمه جمعه در سراسر کشور با یکدیگر مرتبط و هماهنگ و همه با امام است در ارتباط باشند، وسیله ارتباط جمعی داشته باشند و هماهنگ است را با خط سیاسی امام آشنا نمایند. حضرت امام - دام ظلّه - و مراجع عالیقدر و روحانیون عزیز همه می‌دانند و بارها تذکر داده‌اند که اگر کارها با اشراف دقیق روحانیون مطابق با موازین اسلامی انجام نگیرد عواملی در صدد هستند که مردم را ناراضی کنند و به نام اسلام تصام نمایند و از این راه ضربهای به نظام اسلامی وارد کنند. اگر بر اثر مسامحه روحانیون مسئول خدای ناخواسته ضربهای بر اسلام وارد شود جوابی برای خدا و امام زمان «عج» نداریم. ائمه محترم جمعه همین می‌دانند که اشراف آنها بر کارها فقط مقام و منصب نیست که به عنوان زهداژان دست بردارند بلکه یک وظیفه خطیر الهی است که باید انجام دهند.

ما، در این نوشته در مقام انتقاد و عیب‌جویی نیستیم و می‌دانیم که عمده کارها با روال صحیح اسلامی به پیش می‌رود و مسئولین معمولاً دلسوز و آگاه می‌باشند ولی از باب تذکر می‌گوئیم. همه با هم بکوشیم تا کارها بهتر و سریعتر و مطابق با شرایط انقلابی کشور به پیش برود.

انشاء الله **ادامه دارد**